

چه کسی از
هنز
معاصر
می نرسد؟

کیونگ آن و جسیکا سراسی
ترجمه افرا صفا



فهرست

یادداشت مترجم ۹

چه کسی از هنر معاصر می‌ترسد؟ ۱۳
یشگفتار

هنر: اصلاً چرا؟ ۱۵

این همه هیاهو برای چیست؟
آزاینده تا اثر ۱۹

هر جریان همه چیز باشد ۲۱

چگونه به اینجا رسیدیم؟
عصر پیش از معاصر ۲۵

معاصر ۲۷

چیست که تا این اندازه امروزی است؟
تیکوژگال، این خیلی معاصر است، ۲۰۰۵ ۳۱

آکادمی رویاها ۳۳

منتسجویان هنر چگونه هنرمند می‌شوند؟
گراآموزان ۳۷

لیس جدید امپراتور ۳۹

چه چیز آن را هنر می‌کند؟

بیرو مانزونی، مدفوع هنرمند، ۱۹۶۱ ۴۳

هیاهوی لحظه‌ای ۴۵

رویداد بعدی در تقویم جهان هنر چیست؟
دوسالانه ونیز ۴۹

خوره‌های فناوری ۵۱

چگونه تا این اندازه فنی شد؟
هنر اینترنت ۵۵

تاریخ ۵۷

تاریخ چه کسی تاریخ هنر است؟
دختران گریلا ۶۳

اندیشه‌ای است که اهمیت دارد ۶۵

آیا یک مفهوم می‌تواند اثر هنری باشد؟
فلیکس گنزالس تورس، «خرده‌آب‌نبات‌ها»، ۱۹۳-۱۹۹۰ ۷۱

پیوستن نقطه‌ها ۷۳

کیورتورها چکار می‌کنند؟
برنامه‌نمایشگاه، از ایده تا نصب ۷۶

مخاطبتان را بشناسید ۸۱

آیا هنر می‌تواند برای همه باشد؟
تفریح! ۸۵

در جریان همه چیز باشید

چگونه به اینجا رسیدیم؟

سخن به پرسش‌هایی مانند «هنر چیست؟» یا «چگونه به چیزی که اکنون هست رسید؟» دشوارند. نخست برای اینکه هنر همواره برای افراد گوناگون معنی‌های متفاوتی داشته است. در گذر از تاریخ هر دوره‌ای پاسخ خود را به این پرسش‌ها داشته که بر برداشتی که ما اکنون از هنر داریم تأثیری ماندگار گذاشته است. اگر می‌خواهیم از هنر معاصر سر در بیاوریم باید دریابیم که چگونه به اینجا رسیدیم.

هنر از سوی انگشت شماری از نوابغ و بی‌شمار ناشناس دیگر آفریده می‌شد که معمولاً در خدمت یک کارفرما - یک پادشاه، رهبر مذهبی، دولت یا فردی ثروتمند - بودند. چه برای به نمایش در آوردن سخن خداوند، چه به یک رویداد تاریخی یا چهره‌ی یک معشوق و چه تنها برای به رخ کشیدن ثروت. هنر به وجود می‌آمد تا در گام نخست هدفی را به انجام رساند و پس ستایش شود.

در سده هفدهم میلادی در اروپا بود که در پگاه عصر روشنگری چشم‌انداز هنر به شکلی که ما اکنون می‌شناسیم پدید آمد. هنگامی که روشنفکران با خردورزی سازوکارهای اخلاقی و حکومتی و دینی را به چالش کشیدند و همین نیز تلاش کردند هنر را از پابندی به کاربردهایش در آموزش، تزیین و تعریف اخلاق برهاند. این‌ها در سده نوزدهم نیروی محرکه‌ای

را به وجود آوردند تا جایی که منقد هنر فرانسوی تنوفیل گوتیه^۱ (۱۸۱۱-۱۸۷۲) اندیشه «هنر برای هنر» را شکل داد و در آن مطرح کرد که هنر در ذات خود ارزشمند است و باید بدون ارجاع به تاریخ، سیاست، اخلاق و دین ارزیابی شود. این بود که روش آفرینش و درک هنر را برای همیشه دگرگون کرد.

هنگامی که هنرمندان بالاخره جرأت کردند درباره چستی هنر از گذشته تا امروز پرسند، در به روی امکان‌های بی‌نهایت گشوده شد. هنر مدرن هنگامی سربر آورد که هنرمندان روش‌های کهنه را کنار گذاشتند تا آثاری بر اساس جامعه مدرن بیافرینند. این هنر جدید آینه پیشرفت‌های رادیکال در فناوری، حمل و نقل و صنعت و همچنین تاثیر بی‌سابقه این‌ها بر شرایط اجتماعی-سیاسی و فرهنگی آن دوره بود. در گذر از سده پیشین روش‌های آفرینش هنری با شتاب گسترده شدند تا پیکربندی‌های پیچیده و متریال‌های ناشناخته مانند تصاویر متحرک، پرفورمنس و ایده‌های جدید را در کنار روش سنتی رنگ روغن روی بوم، جوهر، مرمر و برنز در خود جای دهند. با تلاش‌های شمار بسیاری از پیشگامان هنر توانسته از چنگ بندهای چند هزارساله که به آن دیکته می‌کردند که باید چگونه باشد و چه مسائلی را مطرح کند رها شود.

مهم است بدانیم که هنر شانس به اینجا نرسیده است. هنرمندان ۵۰ دوره‌ای نتیجه زمانه و فرهنگ خودشان هستند و دگرگونی شرایط پیرامونشان بانی دگرگونی هنر و رسیدنش به آنچه امروز هست شده است. برای نمونه صنعتی شدن و پیشرفت فناوری در سده هجدهم بود که بانی پیدایش دوربین عکاسی در سده نوزدهم شد. بسیار زود عکاسی در جایگاه نقاشی قرار گرفت و نقش باستانی آن در بازنمایی جهان را ایفا کرد. اما تنها یک سده پیش بود که این اندیشه که عکاسی تنها برای ثبت تصویری رخدادهاست رنگ باخت و مردم